



مقدمه حقوق



دوره ۹ - شماره ۲۷ - بهار ۱۴۰۵

- بار اثبات دعوا در داوری تجاری بین المللی
همایون مافی، مانده اصغرزاده
تحلیل رویه احراز صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی جهت رسیدگی به ازدواج اجباری
محمدحسین رضائی قوام‌آبادی، پوریا ابراهیم زاده
بازاندیشی حقوقی در استفاده از هوش مصنوعی برای اجرای مجازات حبس در ایران و نظام های حقوقی مختلف
امیررضا محمودی، آتوشا ظفری کوره تاش
حقوق فدراسیونی در فوتبال: رویکرد نظام‌های حقوقی ایران، فرانسه، انگلستان، آرژانتین، برزیل، اسپانیا و کلمبیا
بهنام نورزاده
تعارض آیین نامه ماده سوم قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول با قوانین و اصول حقوقی
اکبر ایمان پور، سهنند نجادی ایجادکار
شخصیت مجرمانه و رابطه آن با مجازات موثر
مریم بهمنی، مصطفی کرمی پور
چالش‌ها و موانع تفسیر قراردادها در حقوق ایران
فرزین یزدان پناه، محمدرضا نصیری
تدابیر پیشگیری از فساد مالی در نظام بانکی
علیرضا درائی، سیدابراهیم مرتضوی، امیرحسن ابوالحسنی
طلاق به درخواست زن در نظام حقوقی ایران
محمد احمدی، حلما سادات ذریه کرمانشاهی
ماهیت کیفری قرعه کشی های آنلاین در حقوق ایران
محمدحسین حاجب، زهرا ربانی، رویا آسیایی
قرارداد بیع متقابل در نظام حقوقی ایران
صادق محبی، محمدعلی جهانی
ویژگی ها و خصوصیات جرائم سایبری در نظام کیفری ایران
سیده الهه بابونکی
بررسی حق اشتغال زنان در حقوق بین الملل
حبیب اله عبدالله پور، سما خدایاری
اثرگذاری اقدامات تأمینی و تربیتی در بازا اجتماعی شدن بزهکاران نوجوان؛ نمونه پژوهی مجتمع قضایی شهید فهمیده
لیلا احدی
مقابله به مثل در قرآن کریم و جایگاه آن در سیاست کیفری اسلامی
رژین مسعودی، جمال رضایی حسین آبادی
واکاوی حقوقی ساختار نظارتی بازار غیرمتشکل پولی در ایران: از ابهامات مفهومی تا چالش‌های تقنینی و اجرایی
علی بابایی
تأثیر نهادهای مستقل بین المللی بر کارآمدی تحریم ها در حقوق تجارت بین الملل
الهه قربان کریمی
بر مدار مصلحت عالیه کودک؛ تحلیل حضانت با رویکرد حقوقی، فقهی و روان‌شناختی تا شناخت خلاهای تقنینی
مونا کمیلی
بازپروری حقوق بشردار و محدودیت های آن در نظام کیفری ایران
امین رضا بهار فلامرزی
تحلیلی بر مسئولیت محض مدنی در حوادث صنایع شیمیایی؛ مطالعه موردی واحدهای تولید متانول ایران
محمد جوکار، ساسان وزین پور
آسیب شناسی مجازات سالب حیات در حقوق کیفری ایران
محمدرضا رضائی
اجرای مقررات ملی شدن اراضی در خصوص اراضی وقفی با تاکید بر رویه قضایی
اسماعیل چوگانی
سیاست کیفری بین‌المللی در قبال نسل کشی: تحلیل تطبیقی در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی
علی هادیان حقیقی، صابر سیاری زهان
تحلیل جرم شناختی کولبری در مناطق مرزی ایران و مقایسه آن با قاچاق کالا
مرتضی هاشم پور
چالش ها و آسیب های حقوقی موسسات اعتباری غیرمجاز در نظام پولی ایران
امین امینی نژاد
تأثیر اختلال کارکرد قشر پیش‌پیشانی بر مسئولیت کیفری در جرم قتل عمدی
حمید غیاثی، مهدی شعبان زاده
هوش مصنوعی و حق بر محاکمه عادلانه در پرتو قانون اساسی ایران
پوریا ژولیده
تأثیر مخارج و پدھی دولت بر رشد بازار سهام در ایران
راضیه جنتی نژاد
جایگاه نهاد طرف معامله مرکزی در معاملات فرامرزی و تأثیر آن بر اصل نسبی بودن قراردادهای حقوق ایران، اروپا و ایالات متحده آمریکا
عارفه قاسم زاده ده آبادی
راهکارهای پیشگیری و مقابله با جرائم سایبری
احمد پدیدار



an Analysis of Strict Civil Liability in Chemical Industry Accidents; a Case Study of Iranian Methanol Production Units

تحلیلی بر مسئولیت محض مدنی در حوادث صنایع شیمیایی؛ مطالعه موردی واحدهای تولید متانول ایران

Mohammad Jokar

PhD student in private law, lecturer at Tabnak University, Lamerd, Iran

محمد جوکار
دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، مدرس دانشگاه تابناک، لامرد، ایران
mohammad.jokar0020@gmail.com

Sasan Vazin Pour

Master of Science in Private Law, Tabnak University, Lamerd, Iran (Corresponding Author)

ساسان وزین پور
کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تابناک، لامرد، ایران (نویسنده مسئول)
sasanvazinpuor@gmail.com

Abstract

Due to the extremely hazardous nature of its activities, chemical industries are always associated with the risk of harmful accidents. In the Iranian legal system, the primary principle of civil liability is based on fault, but the effectiveness of this rule in compensating for damages resulting from high-risk industrial activities is seriously questionable. The present study aims to investigate the function of the rule of strict liability in accidents at Iranian methanol production units, using a descriptive-analytical method and utilizing the economic and jurisprudential foundations of civil liability. The findings of the study show that although Iranian law provides for scattered cases of strict liability, the lack of a coherent legal regime for the chemical industry has led to inefficiency in compensation and failure to internalize the social costs of accidents. The economic analysis of the strict liability rule shows that in unilateral industrial accidents, this rule is more effective in creating incentives for safety than fault-based liability. Finally, the research concludes that, given the hazardous nature of methanol production and the existing legislative gaps, the transition to strict liability backed by mandatory insurance is an essential solution to achieve compensatory justice and economic deterrence.

Keywords: Strict Liability, Industrial Accidents, Methanol.

چکیده

صنایع شیمیایی به دلیل ماهیت فوق‌العاده خطرناک فعالیت‌های خود، همواره با ریسک بروز حوادث زیان‌بار همراه هستند. در نظام حقوقی ایران، اصل اولیه مسئولیت مدنی بر مبنای تقصیر استوار است، اما کارایی این قاعده در جبران خسارات ناشی از فعالیت‌های پرخطر صنعتی مورد تردید جدی است. پژوهش حاضر با هدف بررسی کارکرد قاعده مسئولیت محض در حوادث واحدهای تولید متانول ایران، به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از مبانی اقتصادی و فقهی مسئولیت مدنی تدوین شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که اگرچه در حقوق ایران موارد پراکنده‌ای از مسئولیت محض پیش‌بینی شده است، اما فقدان یک رژیم حقوقی منسجم برای صنایع شیمیایی باعث ناکارآمدی در جبران خسارت و عدم درونی‌سازی هزینه‌های اجتماعی حوادث شده است. تحلیل اقتصادی قاعده مسئولیت محض نشان می‌دهد که در حوادث یکجانبه صنعتی، این قاعده نسبت به مسئولیت مبتنی بر تقصیر کارایی بیشتری در ایجاد انگیزه برای ایمن‌سازی دارد. در نهایت، پژوهش نتیجه می‌گیرد که با توجه به ماهیت خطرناک تولید متانول و خلأهای تقنینی موجود، گذار به سمت مسئولیت محض با پشتوانه بیمه اجباری، راهکاری ضروری برای تحقق عدالت جبرانی و بازدارندگی اقتصادی است.

واژگان کلیدی: مسئولیت محض، حوادث صنعتی، متانول.

ارجاع:

جوکار، محمد؛ وزین پور، ساسان؛ (۱۴۰۵)، تحلیلی بر مسئولیت محض مدنی در حوادث صنایع شیمیایی؛ مطالعه موردی واحدهای تولید متانول ایران، تمدن حقوقی، شماره ۲۷.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

گسترش صنایع بزرگ و پیچیده شیمیایی در دهه‌های اخیر، اگرچه موتور محرک توسعه اقتصادی بوده است، اما هم‌زمان خطرات بالقوه‌ای را برای جان و مال افراد و محیط زیست ایجاد کرده است. صنعت تولید متانول در ایران به‌عنوان یکی از صنایع استراتژیک، به دلیل استفاده از مواد شیمیایی فرار، فشار بالا و فرایندهای پیچیده، در زمره فعالیت‌های فوق‌العاده خطرناک قرار می‌گیرد. مسئله اصلی این پژوهش آن است که رژیم حقوقی حاکم بر جبران خسارات ناشی از حوادث این واحدها در ایران، با چالش‌های جدی مواجه است. در حقوق سنتی ایران، ماده اول قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ و قاعده فقهی «لاضرر»، مسئولیت را عمدتاً منوط به احراز تقصیر زیان‌زننده می‌دانند (صفایی و رحیمی، ۱۴۰۴). اما در حوادث صنعتی پیچیده، اثبات تقصیر برای زیان‌دیده‌ای که به اطلاعات فنی دسترسی ندارد، امری دشوار و گاهی ناممکن است (بادینی و همکاران، ۱۳۹۱). این دشواری زمانی دوچندان می‌شود که آسیب‌های ناشی از آلودگی‌های شیمیایی دارای دوره نهفتگی طولانی باشند و اثبات رابطه علیت قطعی میان فعل زیان‌بار و ضرر وارد شده، با عدم قطعیت‌های علمی مواجه گردد (صفری و قدسی، ۱۴۰۰).

از سوی دیگر، ادبیات حقوقی ایران در تمایز میان «مسئولیت محض»، «مسئولیت مطلق» و «مسئولیت عینی» دچار ابهام است. برخی محققان معتقدند مسئولیت محض به عنوان یک مبنای مستقل در حقوق ایران به رسمیت شناخته نشده و موارد مندرج در قوانین خاص بیشتر ناظر بر تسهیل اثبات تقصیر است (پارساپور و حسینی، ۱۳۹۹). این در حالی است که تحلیل‌های اقتصادی حقوق نشان می‌دهد در فعالیتهایی که خطر ذاتی دارند، قاعده مسئولیت محض با درونی‌سازی هزینه‌های حوادث، کارایی بیشتری نسبت به قاعده تقصیر دارد و انگیزه بهینه‌ای برای سطح احتیاط و سطح فعالیت ایجاد می‌کند (دادگر و خودکار، ۱۳۹۶). همچنین، از منظر عدالت اصلاحی، ایجادکننده خطر حتی در صورت عدم وقوع ضرر قطعی، با افزایش ریسک آسیب برای جامعه، تعادل اولیه حقوقی را بر هم زده و این امر می‌تواند مبنایی برای نوعی مسئولیت مدنی باشد (صفری و قدسی، ۱۴۰۰).

مسئله پژوهش حاضر در این نقطه کانونی قرار می‌گیرد که آیا با توجه به مبانی فقهی موجود^۱ و ضرورت‌های اقتصادی، می‌توان مسئولیت محض را به عنوان قاعده‌ای حاکم بر حوادث واحدهای متانول در ایران پذیرفت؟ آیا قوانین فعلی ایران ظرفیت تفسیری برای پوشش این نوع مسئولیت را دارند یا نیاز به تقنین خاص وجود دارد؟ عدم شفافیت در این زمینه منجر به اطلاع دادرسی، عدم جبران کامل خسارات زیان‌دیدگان و در نهایت تحمیل هزینه‌های اجتماعی پنهان به جامعه می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۹۷). لذا این پژوهش در پی آن است تا با واکاوی مبانی نظری و تطبیقی و با تمرکز بر صنعت متانول، الگوی مناسبی از مسئولیت مدنی را برای این حوزه خطرناک صنعتی تبیین نماید.

ضرورت این پژوهش از آن جا ناشی می‌شود که توسعه صنایع پتروشیمی در ایران اجتناب‌ناپذیر است، اما نباید به بهای نادیده گرفتن ایمنی و حقوق شهروندی تمام شود. هدف اصلی، تبیین امکان‌سنجی حقوقی و اقتصادی استقرار مسئولیت محض در این صنعت است. اهداف فرعی شامل بررسی مبانی فقهی مسئولیت بدون تقصیر در فقه امامیه (محقق داماد، ۱۴۰۴)، تحلیل کارایی اقتصادی قاعده مسئولیت محض در حقوق ایران، واکاوی مفهوم ریسک آسیب در حوادث صنعتی و مطالعه

تطبیقی با نظام کامن لا جهت الگوبرداری از مکانیزم‌های جبران خسارت می‌باشد.

۱- مفهوم‌شناسی و تمایزات کلیدی در مسئولیت مدنی

برای واکاوی دقیق رژیم حقوقی حاکم بر حوادث صنعتی، ابتدا باید مرزهای مفهومی «مسئولیت محض» را از سایر مبانی مسئولیت مدنی تفکیک نمود. ابهام در ترمینولوژی حقوقی، اغلب منجر به تشتت آراء در رویه قضایی و تقنین می‌شود. در این بخش، با بهره‌گیری از ادبیات حقوقی ایران و نظام کامن‌لا و با تأکید بر مفهوم نوین «ریسک آسیب»، به تعریف دقیق و تمایز این مفاهیم می‌پردازیم.

۱-۱- ماهیت و تعریف مسئولیت محض

مسئولیت محض به‌عنوان قاعده‌ای شناخته می‌شود که در آن، احراز تقصیر زیان‌زننده شرط لازم برای استقرار مسئولیت نیست. برخلاف مسئولیت مبتنی بر تقصیر که محوریت آن بر رفتار غیرمتعارف زیان‌زننده استوار است (کاتوزیان، ۱۳۹۷)، در مسئولیت محض، صرف وقوع زیان و انتساب آن به فعالیت زیان‌زننده، مبنای الزام به جبران قرار می‌گیرد. پژوهش‌های تطبیقی نشان می‌دهند که در نظام کامن‌لا، مسئولیت محض همواره به‌عنوان یک مبنای مستقل پذیرفته نشده است؛ بلکه در برخی موارد، تنها به مثابه‌ای تغییر در بار اثبات دعوا یا شدت یافتن استانداردهای مراقبت تلقی می‌شود (پارساپور و حسینی، ۱۳۹۹، ۱۴). با این حال، در حقوق ایران، اگرچه اصطلاح «مسئولیت محض» به صراحت در قوانین عام کمتر به کار رفته، اما مصادیق آن در قواعدی مانند «اتلاف»^۲ و برخی موارد مسئولیت‌های خاص^۳ قابل ردیابی است (بادینی و همکاران، ۱۳۹۱).

نکته حائز اهمیت در تعریف این مسئولیت، عدم نیاز به اثبات «رکن روانی» یا «بی‌احتیاطی» است. به عبارت دیگر، زیان‌زننده حتی اگر تمام مراقبت‌های متعارف را به عمل آورده باشد، باز هم در قبال خسارات ناشی از فعالیت خود مسئول است. این رویکرد، به‌ویژه در فعالیت‌های فوق‌العاده خطرناک

۲- ماده ۳۲۸ قانون مدنی

۳- مانند مسئولیت پزشک یا حمل‌ونقل

که احتمال وقوع زیان در آن‌ها ذاتی است، توجیه پذیرفته‌تری دارد (کاتوزیان، ۱۳۹۷). علاوه بر این، در تحولات اخیر مسئولیت مدنی، مفهوم «ریسک آسیب» به‌عنوان مبنای مستقل یا مکمل برای مسئولیت محض مطرح شده است. بر این اساس، در فعالیت‌های صنعتی پیچیده، صرف ایجاد خطر جدی برای سلامت افراد، حتی پیش از وقوع آسیب قطعی، می‌تواند منشأ مسئولیت باشد؛ چرا که افزایش احتمال آسیب، تعادل اولیه حقوقی میان طرفین را بر هم می‌زند (صفری و قدسی، ۱۴۰۰).

۱-۲- تمایز مسئولیت محض، مسئولیت مطلق و مسئولیت عینی

یکی از چالش‌برانگیزترین مباحث در ادبیات حقوقی، تفکیک میان «مسئولیت محض»، «مسئولیت مطلق» و «مسئولیت عینی» است. بررسی تطبیقی و فقهی نشان می‌دهد که این مفاهیم اگرچه هم‌پوشانی دارند، اما از حیث قلمرو و دفاعیات قابل استناد، متفاوت‌اند.

اول- مسئولیت محض: در این نوع مسئولیت، اگرچه اثبات تقصیر لازم نیست، اما لایحه دفاعی برای زیان‌زننده کاملاً مسدود نیست. برای مثال، در برخی نظام‌ها، «قوه قاهره» یا «تقصیر زیان‌دیده» می‌تواند رافع مسئولیت باشد. تحلیل‌های اقتصادی نشان می‌دهند که این نوع مسئولیت برای فعالیت‌هایی مناسب است که خطر آن‌ها قابل مدیریت اما ذاتی است (دادگر و خودکار، ۱۳۹۶، ۴۷). در این چهارچوب، تمایز میان «آسیب محقق‌شده» و «ریسک آسیب» حائز اهمیت است؛ زیرا در مسئولیت محض متعارف، جبران خسارت منوط به وقوع ضرر قطعی است، اما در رویکردهای نوین، قرارگیری در معرض خطر نیز می‌تواند موضوع جبران باشد (صفری و قدسی، ۱۴۰۰).

دوم- مسئولیت مطلق: این شدیدترین شکل مسئولیت است که در آن، هیچ‌گونه دفاعیاتی^۴ پذیرفته نیست. در حقوق ایران، مسئولیت «غاصب»^۵ نمونه‌ای بارز از مسئولیت مطلق است؛ چرا که غاصب ضامن هر نوع نقص یا تلف مال مغضوب است، حتی اگر بدون تقصیر و بر اثر حادثه غیرمترقبه باشد (محقق داماد، ۱۴۰۴، ۲۱). در حوادث صنعتی، پذیرش مسئولیت مطلق می‌تواند بازدارندگی بالایی

۴- حتی قوه قاهره

۵- ماده ۳۱۵ قانون مدنی

ایجاد کند، اما ممکن است مانع از توسعه فعالیت‌های اقتصادی ضروری شود.

سوم- مسئولیت عینی: این مفهوم بیشتر ناظر به معیار سنجش مسئولیت است تا مبنای آن. در مسئولیت عینی، رفتار زیان‌زننده با یک استاندارد بیرونی^۶ سنجیده می‌شود و توجهی به وضعیت ذهنی او نیست. برخی حقوق‌دانان معتقدند مسئولیت عینی می‌تواند مبنای مستقلی باشد، درحالی‌که برخی دیگر آن را شکلی از مسئولیت مبتنی بر تقصیر با معیارهای سخت‌گیرانه می‌دانند (پارساپور و حسینی، ۱۳۹۹).

برای صنعت متانول، تمایز میان «محض» و «مطلق» حیاتی است. پذیرش مسئولیت مطلق برای تولیدکنندگان متانول ممکن است ریسک سرمایه‌گذاری را به شدت افزایش دهد، درحالی‌که مسئولیت محض با امکان استناد به دفاعیات محدود^۷، تعادل میان جبران خسارت و توسعه صنعت را بهتر حفظ می‌کند. همچنین، با توجه به ماهیت آلودگی‌های شیمیایی که ممکن است آثار آن‌ها با تأخیر ظاهر شود، تفکیک میان مسئولیت بر اساس «ریسک ایجادشده» و «ضرر نهایی» می‌تواند به حل چالش‌های سببیت کمک کند (صفری و قدسی، ۱۴۰۰).

۱-۳- جایگاه در حقوق ایران و نظام کامن‌لا

بررسی تطبیقی میان حقوق ایران و کامن‌لا نشان می‌دهد که رویکرد نظام حقوقی ایران در برخی موارد، سخت‌گیرانه‌تر از کامن‌لا عمل می‌کند. در کامن‌لا، اصل بر مسئولیت مبتنی بر تقصیر است و مسئولیت محض استثناء محسوب می‌شود که نیاز به تصریح قانونی دارد. اما در حقوق ایران، به دلیل تأثیرپذیری از فقه امامیه، قواعدی مانند «لاضرر» و «اتلاف»، زمینه‌های گسترده‌تری را برای مسئولیت بدون تقصیر فراهم کرده‌اند (بادینی و همکاران، ۱۳۹۱).

باین‌حال، چالش اصلی در حقوق ایران، فقدان یک قانون جامع برای «مسئولیت ناشی از فعالیت‌های خطرناک» است. درحالی‌که در کامن‌لا، دکترین‌هایی مانند رایلندز در مقابل فلچر مسئولیت را برای فرار مواد خطرناک از زمین مالک، مسئولیت محض می‌دانند، در ایران قضات

۶- مانند رفتار انسان متعارف

۷- مانند تقصیر انحصاری زیان‌دیده

ناچارند به تفسیر موسع از ماده‌های پراکنده قانون مدنی یا قوانین خاص^۸ توسل جویند. جالب توجه آن که در رویه قضایی پیشرو کامن‌لا، پرونده‌هایی^۹ نشان می‌دهند که دادگاه‌ها برای غلبه بر عدم قطعیت‌های علمی در حوادث صنعتی، گاهی مسئولیت را بر مبنای افزایش ریسک بیماری یا از دست دادن شانس سلامت پذیرفته‌اند (صفری و قدسی، ۱۴۰۰). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که در مسئولیت امین، حقوق ایران در حالت تخلف از حدود اذن، به سمت مسئولیت مطلق گرایش دارد، در حالی که کامن‌لا همچنان بر اثبات تقصیر تأکید می‌ورزد (پارساپور و حسینی، ۱۳۹۹).

۱-۴- توجیحات اقتصادی و فقهی استقرار مسئولیت محض

پذیرش مسئولیت محض برای حوادث صنعتی مانند تولید متانول، نیازمند توجیحات قوی نظری است که در دو دسته اقتصادی و فقهی قابل دسته‌بندی است.

توجیحات اقتصادی^{۱۰}: از منظر تحلیل اقتصادی حقوق، قاعده مسئولیت محض در «حوادث یکجانبه» کارایی بیشتری نسبت به مسئولیت مبتنی بر تقصیر دارد. در حوادث صنعتی، اغلب زیان‌دیده^{۱۱} توانایی تأثیرگذاری بر سطح احتیاط را ندارند و تنها زیان‌زنده^{۱۲} قادر به مدیریت ریسک است. در چنین شرایطی، مسئولیت محض باعث می‌شود صنعتگر، هزینه‌های اجتماعی حوادث را درونی‌سازی کند. این امر انگیزه اقتصادی بهینه‌ای برای سرمایه‌گذاری در ایمنی و کاهش سطح فعالیت تا حد بهینه اجتماعی ایجاد می‌کند. در مقابل، مسئولیت مبتنی بر تقصیر ممکن است به دلیل دشواری اثبات و هزینه‌های دادرسی، منجر به برون‌سازی هزینه‌های زیست‌محیطی و جانی شود. علاوه بر این، از منظر کارایی، ایجادکننده خطر باید هزینه‌های ناشی از «تولید ریسک» را نیز پردازد، زیرا فعالیت‌های پرخطر حتی بدون وقوع حادثه قطعی، بار روانی و اقتصادی بر جامعه تحمیل می‌کنند.

۸- مانند قانون حفاظت فنی

9- Ayers v. Township of Jackson Hymowitz v. Eli Lilly & Co.

۱۰- کارایی و درونی‌سازی هزینه‌ها

۱۱- مانند ساکنان مجاور یا کارگران

۱۲- صنعت

توجهات فقهی و اخلاقی: در فقه امامیه، اگرچه اصل اولیه بر مسئولیت مبتنی بر تقصیر است، اما قواعدی مانند «تسیب»، «غرور» و قاعده فقهی «لاضرر و لااضرار»، ظرفیت‌های بالایی برای استقرار مسئولیت محض دارند. برخی فقها با استناد به قاعده «ید» یا «اتلاف»، مسئولیت را حتی بدون اثبات تقصیر، ناشی از تسلط بر عامل زیان می‌دانند. همچنین از منظر اخلاقی، کسی که از یک فعالیت خطرناک سود می‌برد^{۱۳}، باید زیان‌های ناشی از آن را نیز جبران کند.^{۱۴} این رویکرد با هدف حمایت از زیان‌دیده‌ای که در برابر قدرت صنعتی آسیب‌پذیر است، همسو می‌باشد (بادینی و همکاران، ۱۳۹۱). در کنار این مبانی، نظریه «عدالت اصلاحی» نیز تأیید می‌کند که هرگاه کسی با ایجاد ریسک غیرمتعارف، تعادل حقوقی را بر هم زند، موظف به بازگرداندن وضعیت به حالت اولیه است، حتی اگر ضرر نهایی هنوز به‌طور کامل محقق نشده باشد (صفری و قدسی، ۱۴۰۰).

بررسی مفاهیم نشان می‌دهند که «مسئولیت محض» با حذف نیاز به اثبات تقصیر، ابزار مناسبی برای جبران خسارات پیچیده صنعتی است. تمایز آن با مسئولیت مطلق امکان دفاعیات محدود را فراهم می‌کند که برای توسعه صنعتی ضروری است. همچنین، توجهات اقتصادی و فقهی، بستر مناسبی را برای پذیرش این قاعده در حقوق ایران فراهم می‌آورند.

۲- مبانی نظری و توجهات اعمال مسئولیت محض

پذیرش مسئولیت محض به‌عنوان مبانی جبران خسارت در صنایع فوق‌العاده خطرناک نظیر تولید متانول، امری تصادفی نیست و نیازمند پشتوانه‌های نظری قوی است. درحالی‌که، مسئولیت مبتنی بر تقصیر قرن‌ها است که به‌عنوان اصل حاکم بر مسئولیت مدنی شناخته می‌شود، پیچیدگی‌های صنعتی مدرن و ناتوانی زیان‌دیدگان در اثبات تقصیر، لزوم بازنگری در این مبنا را ایجاب کرده است. تحولات اخیر در نظریه‌های مسئولیت مدنی نشان می‌دهند که گذار از «مسئولیت مبتنی بر آسیب محقق‌شده» به سمت «مسئولیت مبتنی بر ایجاد ریسک»، پاسخی به ناکارآمدی‌های نظام سنتی در

۱۳- مانند تولید متانول

۱۴- قاعده الغنم بالغرم

مواجهه با حوادث پیچیده صنعتی است (صفری و قدسی، ۱۴۰۰).

۲-۱- مبانی فقهی و اخلاقی

در نظام حقوقی ایران که متأثر از فقه امامیه است، هرچند اصل اولیه در مسئولیت مدنی بر مبنای تقصیر استوار است، اما ظرفیت‌های فقهی قابل توجهی برای پذیرش مسئولیت بدون تقصیر وجود دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که قواعد فقهی متعددی می‌توانند به‌عنوان مستند مسئولیت محض مورد استناد قرار گیرند. قاعده «لاضرر و لااضرار» که از مهم‌ترین اصول فقهی در باب ضرر است، دلالت بر نفی ضرر به غیر دارد و برخی فقها با استناد به آن، مسئولیت را حتی در نبود تقصیر نیز جاری می‌دانند، چرا که هدف شارع جلوگیری از ورود ضرر به مسلمانان است (محقق داماد، ۱۴۰۴). این قاعده را می‌توان با مفهوم نوین «ریسک آسیب» تکمیل کرد؛ بدین معنا که ایجاد خطر جدی برای سلامت افراد، حتی پیش از وقوع آسیب قطعی، نوعی ضرر احتمالی محسوب شده و با روح قاعده لاضرر در تضاد است (بابایی، ۱۳۸۱، ۹۲).

علاوه بر این، قاعده «غصب» در فقه نمونه‌ای بارز از مسئولیت مطلق است که در آن غاصب ضامن هرگونه نقص یا تلف مال است، حتی اگر بدون تقصیر و بر اثر حادثه غیرمترقبه باشد (بادینی و همکاران، ۱۳۹۱). اگرچه تسری مستقیم حکم غصب به صنایع نیازمند تحلیل دقیق است، اما روح حاکم بر آن یعنی «تسلط بر عامل زیان»، می‌تواند مبنایی برای مسئولیت مدیران صنایع شیمیایی باشد که بر فرایندهای خطرناک تسلط دارند. همچنین، قاعده «ید» و «اتلاف» نیز در مواردی بدون نیاز به اثبات تقصیر، ضمان آور شناخته شده‌اند (صفایی و رحیمی، ۱۴۰۴).

از منظر اخلاقی نیز، قاعده «الغنم بالغرم»^{۱۵} توجه‌کننده این رویکرد است؛ بدین معنا که صنایعی مانند تولید متانول که از فعالیت‌های پرخطر سودهای کلان اقتصادی می‌برند، باید هزینه‌های زیان‌بار ناشی از آن را نیز بپذیرند. این رویکرد اخلاقی، تعادل را میان سودجویی صنعتگر و امنیت عمومی

۱۵- هر کس سود می‌برد، زیان نیز متوجه او است

برقرار می‌سازد. در کنار این مبانی، نظریه «عدالت اصلاحی» نیز تأیید می‌کند که هرگاه کسی با ایجاد ریسک غیرمتعارف، تعادل حقوقی را بر هم زند، موظف به بازگرداندن وضعیت به حالت اولیه است، حتی اگر ضرر نهایی هنوز به‌طور کامل محقق نشده باشد (صفری و قدسی، ۱۴۰۰).

۲-۲- مبانی اقتصادی (کارآیی و درونی‌سازی هزینه‌ها)

از منظر تحلیل اقتصادی حقوق، توجیه اصلی مسئولیت محض بر مفهوم «کارایی» و «درونی‌سازی هزینه‌های اجتماعی» استوار است. طبق نظریه‌های اقتصادی، هدف مسئولیت مدنی تنها جبران خسارت نیست، بلکه ایجاد انگیزه برای پیشگیری از حوادث با کمترین هزینه اجتماعی است. در «حوادث یکجانبه»، جایی که تنها زیان‌زننده^{۱۶} توانایی تأثیرگذاری بر سطح احتیاط را دارد و زیان‌دیده^{۱۷} نقشی در پیشگیری ندارد، قاعده مسئولیت محض کارایی بیشتری نسبت به مسئولیت مبتنی بر تقصیر دارد (دادگر و خودکار، ۱۳۹۶).

در صنعت متانول، خطر ذاتی فرایند تولید است و زیان‌دیدگان معمولاً توانایی کنترل این خطر را ندارند. در چنین شرایطی، مسئولیت محض باعث می‌شود که صنعتگر، هزینه‌های اجتماعی حوادث^{۱۸} را درونی‌سازی کند. این امر باعث می‌شود صنعتگر انگیزه اقتصادی پیدا کند تا سطح احتیاط را به حد بهینه اجتماعی برساند و حتی در صورت لزوم، سطح فعالیت خود را کاهش دهد تا از بروز حوادث پرهزینه جلوگیری کند (دادگر و خودکار، ۱۳۹۶). در مقابل، در مسئولیت مبتنی بر تقصیر، اگر صنعتگر ثابت کند که استانداردهای متعارف را رعایت کرده است، از مسئولیت مبرا می‌شود؛ این در حالی است که رعایت استانداردهای متعارف ممکن است برای جلوگیری از تمام خطرات ذاتی متانول کافی نباشد (Faure, 2009)؛ بنابراین، از منظر اقتصادی، مسئولیت محض با وادار کردن صنعت

۱۶- صنعتگر

۱۷- مانند ساکنان مجاور یا کارگران

۱۸- آلودگی، آسیب جانی و...

به پرداخت هزینه واقعی فعالیت‌هایش^{۱۹}، مانع از برون‌سازی هزینه‌ها به جامعه می‌شود و تخصیص بهینه منابع را تضمین می‌کند (Cooter & Ulen, 2000). علاوه بر این، از منظر کارایی، ایجادکننده خطر باید هزینه‌های ناشی از «تولید ریسک» را نیز بپردازد، زیرا فعالیت‌های پرخطر حتی بدون وقوع حادثه قطعی، بار روانی و اقتصادی^{۲۰} بر جامعه تحمیل می‌کنند (صفری و قدسی، ۱۴۰۰).

۲-۳- مبانی اجتماعی و بیمه‌ای

توجیه سوم برای مسئولیت محض، مبتنی بر همبستگی اجتماعی و توزیع زیان است. در جامعه صنعتی مدرن، برخی فعالیت‌ها اگرچه خطرناک هستند، اما برای پیشرفت جامعه ضروری‌اند. پرسش این جا است که هزینه حوادث ناشی از این فعالیت‌های ضروری اما خطرناک باید بر دوش چه کسی باشد؟ قربانی بی‌دفاع یا صنعتگری که از آن سود می‌برد؟ مبانی اجتماعی مسئولیت محض حکم می‌کند که زیان باید توسط کسی تحمل شود که بهتر می‌تواند آن را مدیریت و توزیع کند (بادینی، ۱۴۰۲).

در این راستا، نهاد «بیمه مسئولیت مدنی» نقش مکمل حیاتی ایفاء می‌کند. مسئولیت محض بدون پشتوانه بیمه‌ای می‌تواند منجر به ورشکستگی واحدهای تولیدی و توقف فعالیت‌های اقتصادی شود. اما با الزام به بیمه مسئولیت، هزینه جبران خسارت بین کلیه بهره‌برداران آن صنعت سرشکن می‌شود. گسترش نظام‌های بیمه اجتماعی و اجباری، بستر مناسبی را برای پذیرش مسئولیت محض فراهم کرده است، زیرا بار مالی سنگین جبران خسارت را از دوش یک بنگاه اقتصادی برداشته و به مکانیسم بازار بیمه منتقل می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۹۷).

در صنعت متانول، با توجه به احتمال وقوع حوادث فاجعه‌بار، الزام به بیمه مسئولیت مدنی در کنار مسئولیت محض، نه تنها حقوق زیان‌دیدگان را تضمین می‌کند، بلکه پایداری اقتصادی صنعت را نیز حفظ می‌نماید. این رویکرد اجتماعی، مسئولیت مدنی را از یک دعوی خصوصی میان دو فرد، به ابزاری برای تأمین امنیت اجتماعی و توزیع عادلانه ریسک‌های صنعتی تبدیل می‌کند. همچنین،

۱۹- شامل هزینه‌های احتمالی حوادث

۲۰- مانند هزینه‌های پایش سلامت و کاهش ارزش املاک

پذیرش مسئولیت بر مبنای ریسک آسیب، به نظام بیمه‌ای اجازه می‌دهد تا پوشش‌های خود را از جبران خسارت پس از حادثه، به پیشگیری و پایش ریسک‌های نهفته گسترش دهد که این امر کارایی نظام تأمین اجتماعی را افزایش می‌دهد (صفری و قدسی، ۱۴۰۰).

بررسی مبانی نظری نشان می‌دهد که مسئولیت محض صرفاً یک استثناء در حقوق مسئولیت مدنی نیست، بلکه پاسخی منطقی به نیازهای عصر صنعتی است. مبانی فقهی^{۲۱}، مبانی اقتصادی^{۲۲} و مبانی اجتماعی^{۲۳}، همگی همسو هستند و ضرورت اعمال این رژیم حقوقی را برای فعالیت‌های فوق‌العاده خطرناک نظیر تولید متانول تأیید می‌کنند (Shavell, 2007)). افزون بر این، ادغام مفهوم «ریسک آسیب» در این مبانی، استحکام نظری مسئولیت محض را در مواجهه با چالش‌های سببیت احتمالی و عدم قطعیت‌های علمی افزایش می‌دهد (کاتوزیان، ۱۳۹۷، ۲۸۶).

۳- رژیم حقوقی مسئولیت مدنی در حوادث صنعتی ایران

برای درک دقیق چالش‌های جبران خسارت در حوادث واحدهای تولید متانول، ابتدا باید ساختار کلی مسئولیت مدنی در حقوق ایران را در بستر حوادث صنعتی واکاوی نمود. نظام حقوقی ایران در زمینه مسئولیت مدنی، تلفیقی از قواعد فقهی سنتی و قوانین موضوعه مدرن است که در عمل، دوگانگی‌هایی را میان اصل «مسئولیت مبتنی بر تقصیر» و استثناءهای «مسئولیت محض» ایجاد کرده است.

۳-۱- بررسی قوانین عام

در حقوق ایران، اصل اولیه در مسئولیت مدنی، مسئولیت مبتنی بر تقصیر است. ماده اول قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ به صراحت عنصر تقصیر^{۲۴} را شرط مسئولیت می‌داند. در حوادث صنعتی پیچیده

۲۱- مانند قاعده لاضرر و غرور

۲۲- درونی‌سازی هزینه‌ها و کارایی در حوادث یکجانبه

۲۳- توزیع زیان و بیمه

۲۴- عمد یا بی‌احتیاطی

نظیر نشت گاز یا انفجار در واحدهای متانول، اثبات این عنصر برای زیان‌دیدگان^{۲۵} به دلیل عدم دسترسی به اطلاعات فنی و تخصصی، بسیار دشوار است.

با این حال، در لایه‌های زیرین قوانین عام، رگه‌هایی از مسئولیت محض قابل ردیابی است. ماده ۳۲۸ قانون مدنی در باب اتلاف مقرر می‌دارد: «هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد اعم از این که از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از این که عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است». بسیاری از حقوق‌دانان و فقها، مسئولیت ناشی از اتلاف را مصداقی از مسئولیت محض می‌دانند، زیرا در آن تقصیر شرط نیست و صرف رابطه سببیت بین فعل و ضرر کافی است (بادینی و همکاران، ۱۳۹۱). همچنین، ماده‌های ۳۳۱ الی ۳۳۷ قانون مدنی در باب تسبیب، اگرچه معمولاً تفسیر به تقصیر می‌شوند، اما در مواردی که سبب مستقیم باشد، می‌توانند مبنای مسئولیت بدون تقصیر قرار گیرند.

در حوزه کیفری نیز، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در بخش دیات، مواردی از مسئولیت بدون تقصیر را پیش‌بینی کرده است. برای مثال، ماده‌های ۳۱۹ و ۳۲۱ درباره مسئولیت پزشک، رویکردی شبیه به مسئولیت محض اتخاذ کرده‌اند، مشروط بر این که پزشک موازین فنی را رعایت کرده باشد اما باز هم خسارتی وارد شود (قافی و شریعتی، ۱۳۹۲، ۳۵). این رویکرد اگرچه مستقیماً ناظر بر حوادث صنعتی نیست، اما نشان‌دهنده پذیرش ضمنی مسئولیت محض در فعالیت‌های تخصصی و پرخطر در نظام حقوقی ایران است. با این وجود، در عمل، دادگاه‌ها در پرونده‌های حوادث صنعتی، غالباً به دنبال احراز تقصیر کارفرما یا مدیران واحد صنعتی هستند و کمتر به قواعدی مانند اتلاف یا تسبیب محض استناد می‌کنند.

۳-۲- بررسی قوانین خاص

قوانین خاص معمولاً برای تنظیم فعالیت‌های ویژه وضع می‌شوند و می‌توانند رژیم مسئولیت

سخت‌گیرانه‌تری را ایجاد کنند. قانون حفاظت فنی و بهداشت کار مصوب ۱۳۴۷، کارفرمایان را ملزم به رعایت اصول ایمنی می‌کند، اما ضمانت اجرای مدنی آن همچنان به قوانین عام ارجاع می‌دهد و به صراحت مسئولیت را محض اعلام نکرده است. قانون مدیریت پسمانده مصوب ۱۳۸۳ نیز اگرچه بر جبران خسارات زیست‌محیطی تأکید دارند، اما در عمل، اثبات رابطه علیت میان فعالیت واحد صنعتی و خسارت وارد شده^{۲۶} با دشواری‌های علمی و حقوقی مواجه است.

در مقابل، قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸ گامی جدی به سمت مسئولیت محض برداشته است. ماده ۲ این قانون، تولیدکنندگان را مسئول سلامت کالا می‌داند و ماده ۶ جبران خسارت را بدون نیاز به اثبات تقصیر ممکن می‌سازد. اگرچه این قانون مستقیماً ناظر بر حوادث صنعتی نیست، اما می‌توان از روح حاکم بر آن برای تفسیر مسئولیت تولیدکنندگان مواد شیمیایی خطرناک بهره برد. همچنین، قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی مصوب ۱۳۸۷، نمونه‌ای بارز از پذیرش مسئولیت محض در کنار نظام بیمه‌ای است. در این قانون، راننده حتی در صورت عدم تقصیر نیز موظف به جبران خسارت از طریق بیمه است (بادینی و همکاران، ۱۳۹۱). این الگو می‌تواند برای صنایع پرخطر مانند متانول الگوی مناسبی باشد، اما متأسفانه هنوز قانون جامعی تحت عنوان «مسئولیت مدنی فعالیت‌های فوق‌العاده خطرناک» در ایران تصویب نشده است.

۳-۳- خلأهای تقنینی و چالش‌های اثباتی در رویه قضایی ایران

بررسی رویه قضایی ایران نشان می‌دهد که فقدان یک قانون جامع در زمینه مسئولیت محض برای فعالیت‌های صنعتی، منجر به آراء متشکست شده است. چالش اصلی، «بار اثبات دعوا» است. در نظام فعلی، اصل بر برائت است و زیان‌دیده باید تقصیر زیان‌زننده را اثبات کند. در حوادث پیچیده شیمیایی که ممکن است سال‌ها بعد از تعرض علائم بیماری ظاهر شود یا علت انفجار ترکیبی از عوامل فنی پیچیده باشد، این بار اثبات برای زیان‌دیده غیرمتخصص عملاً غیرممکن است. در حقوق ایران، تمایز

۲۶- مثلاً آلودگی آب‌های زیرزمینی ناشی از پساب متانول

دقیقی میان مسئولیت محض، مسئولیت مطلق و مسئولیت عینی وجود ندارد و این ابهام مفهومی منجر به سردرگمی قضات در اعمال قواعد مسئولیت می‌شود (پارساپور و حسینی، ۱۳۹۹).

از منظر تحلیل اقتصادی نیز، رژیم فعلی ایران ناکارآمد است. در حوادث یکجانبه صنعتی^{۲۷}، مسئولیت مبتنی بر تقصیر باعث می‌شود هزینه‌های اجتماعی حوادث برون‌سازی شود. یعنی صنعتگر هزینه واقعی فعالیت خود^{۲۸} را نمی‌پردازد و این هزینه به جامعه و زیان‌دیدگان تحمیل می‌گردد. در حالی که اگر مسئولیت محض حاکم بود، صنعتگر انگیزه اقتصادی پیدا می‌کرد تا با سرمایه‌گذاری در ایمنی یا خرید بیمه‌های جامع، هزینه‌ها را درونی‌سازی کند (دادگر و خودکار، ۱۳۹۶). علاوه بر این، چالش «رابطه سببیت» در آلودگی‌های شیمیایی بسیار پررنگ است. اثبات این که نشت خاصی از یک واحد متانول باعث بیماری تنفسی ساکنان منطقه شده است، نیازمند کارشناسی‌های پیچیده علمی است که در سیستم دادرسی ایران همواره به راحتی در دسترس نیست. در نتیجه، بسیاری از پرونده‌ها به دلیل فقدان ادله کافی برای اثبات تقصیر یا سببیت مستقیم، منجر به صدور حکم برائت برای واحد صنعتی می‌شوند. این در حالی است که در نظام‌های حقوقی پیشرو، با استفاده از دکترین‌هایی مانند «مسئولیت ناشی از فعالیت‌های فوق‌العاده خطرناک»، بار اثبات تا حد زیادی به نفع زیان‌دیده جابجا می‌شود.

رژیم حقوقی فعلی ایران در زمینه حوادث صنعتی، اگرچه پتانسیل‌هایی در قوانین عام^{۲۹} و قوانین خاص^{۳۰} برای پذیرش مسئولیت محض دارد، اما فاقد یک نظام منسجم و صریح است. غلبه رویکرد تقصیرمحور در رویه قضایی، همراه با دشواری‌های اثباتی برای زیان‌دیدگان، باعث ناکارآمدی سیستم جبران خسارت شده است. این خلأها در صنعت متانول که با ریسک‌های ذاتی بالا همراه است، می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری داشته باشد.

۲۷- جایی که زیان‌دیده نقشی در پیشگیری ندارد

۲۸- شامل ریسک حوادث

۲۹- مانند قاعده اتلاف

۳۰- مانند قانون حمایت از مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸

۴- مطالعه موردی: کاربرد مسئولیت محض در واحدهای تولید متانول

پس از واکاوی مبانی نظری و رژیم حقوقی حاکم بر مسئولیت مدنی در ایران، اکنون زمان آن رسیده است که این چهارچوب‌های نظری را بر مصداق عینی «واحدهای تولید متانول» تطبیق دهیم. صنعت متانول به دلیل ماهیت فرایندهای شیمیایی، فشار بالا و مواد اولیه خطرناک در زمره فعالیت‌های فوق‌العاده خطرناک قرار می‌گیرد. در این بخش، با بهره‌گیری از یافته‌های پژوهشی پیشین، به بررسی جرایبی ضرورت اعمال مسئولیت محض در این صنعت، تحلیل اقتصادی آن، موانع فعلی جبران خسارت و نقش بیمه می‌پردازیم.

۴-۱- ویژگی‌های خطرزا و ماهیت فعالیت در صنایع متانول

تولید متانول فرایندی پیچیده است که شامل تبدیل گاز سنتز^{۳۱} تحت فشار و دمای بالا به متانول مایع می‌باشد. این فرایند ذاتاً با ریسک‌های متعددی همچون نشت گازهای سمی، انفجارهای ناشی از فشار بالا و آلودگی‌های زیست‌محیطی همراه است. در ادبیات حقوقی، فعالیت‌هایی که با وجود رعایت تمام احتیاط‌های متعارف، همچنان خطر جدی و غیرقابل اجتنابی را ایجاد می‌کنند، «فعالیت‌های فوق‌العاده خطرناک» نامیده می‌شوند.

بر اساس مبانی مطرح شده در پژوهش‌های حقوقی، در چنین فعالیت‌هایی، اصل برائت و مسئولیت مبتنی بر تقصیر کارایی خود را از دست می‌دهد. گسترش صنایع خطرناک و پیچیدگی فرایندهای تولید، اثبات تقصیر را برای زیان‌دیده ناممکن ساخته و لزوم گذار به مسئولیت‌های سخت‌گیرانه‌تر را ایجاد می‌کند. در واحدهای متانول، زیان‌دیدگان^{۳۲} هیچ‌گونه کنترلی بر فرایند تولید ندارند و تنها عاملی که توانایی مدیریت ریسک را دارد، بهره‌بردار واحد صنعتی است؛ بنابراین، از منظر حقوقی، انتساب مسئولیت به ایجادکننده خطر^{۳۳} بدون نیاز به اثبات تقصیر، با عدالت جبرانی همسو است (بادینی و همکاران، ۱۳۹۱).

۳۱- مخلوطی از هیدروژن و مونوکسید کربن

۳۲- اعم از کارگران، ساکنان مجاور یا مصرف‌کنندگان نهایی

۳۳- صنعت متانول

۲-۴- تحلیل اقتصادی اعمال مسئولیت محض در این واحدها

از منظر تحلیل اقتصادی حقوق، انتخاب قاعده مسئولیت برای صنعت متانول باید به گونه‌ای باشد که «کارایی اجتماعی» را به حداکثر برساند. در «حوادث یکجانبه»، جایی که تنها زیان‌زننده توانایی تأثیرگذاری بر سطح احتیاط را دارد، قاعده مسئولیت محض کارایی بیشتری نسبت به مسئولیت مبتنی بر تقصیر دارد (دادگر و خودکار، ۱۳۹۶).

در صنعت متانول، اکثر حوادث^{۳۴} در زمره حوادث یکجانبه قرار می‌گیرند؛ زیرا زیان‌دیدگان امکان پیش‌بینی یا جلوگیری از آن را ندارند. اعمال مسئولیت محض در این واحدها باعث می‌شود که هزینه‌های اجتماعی حوادث^{۳۵} درونی‌سازی شود. به عبارت دیگر، تولیدکننده متانول مجبور می‌شود هزینه واقعی تولید را که شامل ریسک حوادث نیز می‌شود، پردازد. این امر دو کارکرد اقتصادی دارد: اول- ایجاد انگیزه برای ایمن‌سازی؛ صنعتگر برای کاهش هزینه‌های مسئولیت، انگیزه اقتصادی پیدا می‌کند تا در فناوری‌های ایمن‌تر سرمایه‌گذاری کند. دوم- تنظیم سطح فعالیت: اگر هزینه حوادث بسیار بالا باشد، مسئولیت محض باعث می‌شود صنعتگر سطح فعالیت خود را تا حد بهینه اجتماعی کاهش دهد تا از بروز حوادث پرهزینه جلوگیری کند (دادگر و خودکار، ۱۳۹۶). در مقابل، اگر مسئولیت مبتنی بر تقصیر حاکم باشد، صنعتگر ممکن است تنها به رعایت استانداردهای حداقلی بسنده کند و هزینه‌های باقی‌مانده حوادث را به جامعه برون‌سازی کند که از منظر اقتصادی ناکارآمد است.

۳-۴- بررسی موانع فعلی جبران خسارت در حوادث واقعی واحدهای متانول ایران

با وجود ضرورت‌های نظری و اقتصادی، بررسی رویه فعلی در ایران نشان می‌دهد که زیان‌دیدگان حوادث واحدهای متانول با موانع جدی مواجه‌اند. در نظام‌های حقوقی مانند کامن‌لا، اگرچه مسئولیت محض به‌عنوان یک قاعده مستقل پذیرفته نشده، اما در موارد خاص^{۳۶}، بار اثبات دعوا به نفع زیان‌دیده

۳۴- مانند نشت گاز یا آلودگی آب‌های زیرزمینی

۳۵- هزینه‌های درمان، پاکسازی محیط زیست و خسارات جانی

۳۶- مانند مسئولیت امین یا فعالیت‌های خطرناک

جابجا می‌شود. اما در حقوق ایران، فقدان قانون خاص برای فعالیت‌های فوق‌العاده خطرناک باعث شده است که قضات همچنان بر ماده اول قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ تکیه کنند^{۳۷} (پارساپور و حسینی، ۱۳۹۹).

موانع اصلی عبارتند از: اول- دشواری اثبات رابطه سببیت: در حوادث شیمیایی متانول، ممکن است سال‌ها طول بکشد تا علائم بیماری ناشی از آلودگی ظاهر شود. اثبات این که بیماری خاص ناشی از نشت خاص از یک واحد متانول بوده است، نیازمند کارشناسان پیچیده علمی است که در سیستم دادرسی ایران به راحتی در دسترس نیست. دوم- عدم تعادل اطلاعاتی: زیان‌دیدگان به اطلاعات فنی، نقشه‌های ایمنی و گزارش‌های داخلی واحد صنعتی دسترسی ندارند. در مسئولیت‌های مبتنی بر تقصیر، این عدم تعادل اطلاعاتی عملاً راه جبران خسارت را بر روی زیان‌دیده می‌بندد. سوم- تشتت آراء قضایی: به دلیل فقدان نص صریح قانونی برای مسئولیت محض در صنایع شیمیایی، برخی دادگاه‌ها به قاعده اتلاف استناد می‌کنند و برخی دیگر لزوم اثبات تقصیر را مطرح می‌کنند که این امر امنیت حقوقی را کاهش می‌دهد (پارساپور و حسینی، ۱۳۹۹).

۴-۴- نقش بیمه مسئولیت مدنی در پوشش ریسک‌های صنعت متانول

یکی از نقدهای وارد بر مسئولیت محض، احتمال ورشکستگی واحدهای صنعتی در صورت بروز حوادث بزرگ است. اما این چالش با نهاد «بیمه مسئولیت مدنی» قابل حل است. گسترش نظام‌های بیمه اجتماعی و اجباری، بستر مناسبی را برای پذیرش مسئولیت محض فراهم کرده است، زیرا بار مالی سنگین جبران خسارت را از دوش یک بنگاه اقتصادی برداشته و به مکانیسم بازار بیمه منتقل می‌کند (بادینی و همکاران، ۱۳۹۱).

در صنعت متانول، با توجه به احتمال وقوع حوادث فاجعه‌بار^{۳۸}، الزام به بیمه مسئولیت مدنی در کنار مسئولیت محض، یک راهکار دوگانه است: اول- تضمین جبران خسارت: زیان‌دیده مطمئن

۳۷- مبتنی بر تقصیر

۳۸- مانند انفجارهای زنجیره‌ای

است که حتی در صورت ورشکستگی واحد صنعتی، از محل بیمه خسارت خود را دریافت می‌کند. دوم- پایداری اقتصادی صنعت: واحد تولیدی با پرداخت حق بیمه، ریسک خود را مدیریت کرده و از شوک‌های مالی ناگهانی ناشی از حوادث در امان می‌ماند.

در حال حاضر، اگرچه بیمه‌های مسئولیت مدنی کارفرما در برابر کارکنان وجود دارند، اما بیمه جامع مسئولیت مدنی در قبال اشخاص ثالث و محیط زیست برای صنایع متانول هنوز به صورت اجباری و فراگیر اجرا نمی‌شود. تلفیق مسئولیت محض با بیمه اجباری، می‌تواند الگوی مناسبی برای مدیریت ریسک در این صنعت باشد که هم عدالت جبرانی را تأمین می‌کند و هم پایداری اقتصادی را حفظ می‌نماید.

بررسی موردی صنعت متانول نشان می‌دهد که ماهیت خطرناک این صنعت، توجه‌کننده اعمال مسئولیت محض است. تحلیل اقتصادی تأیید می‌کند که این قاعده منجر به درونی‌سازی هزینه‌ها و افزایش ایمنی می‌شود. باین حال، موانع اثباتی و فقدان قانون خاص در ایران، کارایی سیستم فعلی را کاهش داده است. ادغام مسئولیت محض با نظام بیمه اجباری، راهکاری عملی برای غلبه بر این چالش‌ها است.

۵- چالش‌ها و راهکارهای تقنینی و قضایی

با عنایت به مبانی نظری قوی و ضرورت‌های اقتصادی و اجتماعی مطرح شده و با توجه به مطالعه موردی صنعت متانول، این پرسش مطرح می‌شود که برای گذار از وضعیت فعلی به رژیم مطلوب مسئولیت محض، چه موانعی وجود دارد و چگونه می‌توان بر آن‌ها فائق آمد؟ نظام حقوقی فعلی ایران اگرچه پتانسیل‌هایی را در دل خود دارد، اما برای مدیریت ریسک‌های پیچیده صنایع شیمیایی نیازمند بازنگری‌های ساختاری است.

۵-۱- چالش‌های اثبات رابطه سببیت در آلودگی‌ها و حوادث شیمیایی پیچیده

یکی از عمده‌ترین موانع جبران خسارت در حوادث صنایع شیمیایی مانند متانول، دشواری اثبات رابطه

علیت میان فعل زیان‌زننده و ضرر وارد شده است. در حوادث سنتی، رابطه سببیت اغلب مستقیم و آشکار است، اما در آلودگی‌های شیمیایی، ممکن است سال‌ها طول بکشد تا علائم بیماری ظاهر شود یا منشأ آلودگی ترکیبی از چند منبع باشد. در نظام فعلی که بار اثبات دعوا بر دوش زیان‌دیده است^{۳۹}، این امر عملاً راه جبران خسارت را مسدود می‌کند. در نظام‌های حقوقی پیشرو، برای غلبه بر این چالش، از دکترین‌هایی مانند «جابجایی بار اثبات» یا «فرض سببیت» استفاده می‌شود تا تعادل اطلاعاتی میان زیان‌دیده و صنعتگر برقرار گردد (پارساپور و حسینی، ۱۳۹۹).

از منظر تحلیل اقتصادی نیز، این عدم تقارن اطلاعاتی باعث ناکارآمدی می‌شود. در حوادث یکجانبه صنعتی، زیان‌دیده دسترسی به اطلاعات فنی ندارد و هزینه اثبات تقصیر یا سببیت برای او بسیار گزاف است. اگر سیستم حقوقی این هزینه‌ها را کاهش ندهد، انگیزه صنعتگر برای ایمن‌سازی کاهش می‌یابد، زیرا احتمال محکومیت او پایین است؛ بنابراین، چالش اصلی نه تنها در متن قوانین، بلکه در رویه اثباتی دادگاه‌ها است. برای صنعت متانول که نشت گازهای شیمیایی می‌تواند اثرات نهفته داشته باشد، دادگاه‌ها باید با تفسیر موسع از قاعده «سببیت»، بار اثبات را تا حدی به عهده صنعتگر بگذارند تا زمانی که او عدم تقصیر یا عدم ارتباط فعل خود با ضرر را ثابت کند (دادگر و خودکار، ۱۳۹۶).

۵-۲- پیشنهاد اصلاحات قانونی برای استقرار رژیم مسئولیت محض ویژه

بررسی قوانین فعلی ایران نشان می‌دهد که اگرچه رگه‌هایی از مسئولیت محض در قوانین خاص^{۴۰} دیده می‌شود، اما قانون جمعی تحت عنوان «مسئولیت مدنی فعالیت‌های فوق‌العاده خطرناک» وجود ندارد. تکیه صرف بر قواعد عمومی قانون مدنی^{۴۱} برای پوشش دادن پیچیدگی‌های صنعتی کافی نیست و نیاز به قوانین ویژه احساس می‌شود (بادینی و همکاران، ۱۳۹۱).

۳۹- ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی

۴۰- مانند قانون مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری یا قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان

۴۱- مانند اتلاف و تسبیب

پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار ایران با الهام از تحولات حقوقی در حوزه‌های مشابه^{۴۲}، قانونی خاص برای «صنایع پرخطر شیمیایی و پتروشیمی» تصویب نماید. در این قانون ویژه باید موارد زیر تصریح گردد: اول- تصریح به مسئولیت محض: به جای ابهام در اصطلاحات، صراحتاً قاعده مسئولیت محض برای دارندگان مجوز تولید متانول و مواد شیمیایی مشابه پذیرفته شود. پیشنهاد می‌شود در این قانون، مسئولیت به صورت «محض» باشد تا دفاعیات محدودی مانند «تقصیر انحصاری زیان‌دیده» یا «قوه قاهره واقعی» پذیرفته شود، اما صرف رعایت استانداردهای دولتی رافع مسئولیت نباشد (بادینی و همکاران، ۱۳۹۱). دوم- تعریف فعالیت فوق‌العاده خطرناک: معیارهای دقیقی برای شناسایی صنایعی که مشمول این رژیم می‌شوند^{۴۳} تعیین گردد تا از شمول بی‌رویه که ممکن است مانع توسعه صنعت شود، جلوگیری گردد. سوم- تسهیل دسترسی به اطلاعات: قانون باید صنعتگر را ملزم به شفاف‌سازی اطلاعات ایمنی و گزارش‌دهی حوادث کند تا زیان‌دیدگان در اثبات دعوی خود با دشواری مواجه نشوند.

۵-۳- الزام به بیمه اجباری مسئولیت مدنی برای صنایع شیمیایی

پذیرش مسئولیت محض بدون پشتوانه مالی، می‌تواند منجر به ورشکستگی واحدهای تولیدی و در نتیجه بیکاری و رکود اقتصادی شود؛ بنابراین، رکن رکن تحقق مسئولیت محض در صنایع پرخطر، نهاد بیمه است. با توجه به مبانی اجتماعی مسئولیت مدنی، گسترش نظام‌های بیمه اجباری، بستر مناسبی را برای پذیرش مسئولیت محض فراهم می‌کند، زیرا بار مالی سنگین جبران خسارت را از دوش یک بنگاه اقتصادی برداشته و به مکانیسم بازار بیمه منتقل می‌کند (بادینی و همکاران، ۱۳۹۱).

در حال حاضر، بیمه‌های مسئولیت مدنی در ایران بیشتر جنبه اختیاری دارند یا صرفاً ناظر بر مسئولیت کارفرما در برابر کارکنان هستند. برای صنعت متانول، پیشنهاد می‌شود: اول- بیمه اجباری شخص ثالث صنعتی: مشابه بیمه شخص ثالث وسایل نقلیه، داشتن بیمه‌نامه مسئولیت مدنی با پوشش خسارات جانی، مالی و زیست‌محیطی برای کلیه واحدهای تولید متانول الزامی گردد. دوم- تناسب

۴۲- مانند مسئولیت ناشی از وسایل نقلیه

۴۳- مانند حجم تولید، نوع مواد شیمیایی و نزدیکی به مناطق مسکونی

حق بیمه با ریسک: شرکت‌های بیمه باید با ارزیابی دقیق ریسک هر واحد^{۴۴}، حق بیمه را تعیین کنند. این امر خود به‌عنوان یک اهرم اقتصادی عمل کرده و واحدهای نایمن را با هزینه‌های بیمه‌ای بالاتر مواجه می‌سازد که این خود مشوقی برای ایمن‌سازی است (دادگر و خودکار، ۱۳۹۶). سوم - صندوق جبران خسارت: برای مواردی که خسارات فراتر از سقف تعهدات بیمه است یا واحد صنعتی فاقد بیمه معتبر است، تأسیس یک «صندوق ملی جبران خسارات حوادث صنعتی» با مشارکت دولت و صنعتگران پیشنهاد می‌شود تا هیچ زیان‌دیده‌ای بدون جبران نماند.

چالش‌های فعلی نظام حقوقی ایران در مواجهه با حوادث صنایع شیمیایی، ریشه در دشواری‌های اثباتی، فقدان قانون ویژه و نبود نظام بیمه‌ای جامع دارد. برای برون‌رفت از این وضعیت، گذار به مسئولیت محض از طریق تصویب قانون ویژه صنایع پرخطر، جابجایی بار اثبات دعوا در رویه قضایی و الزام به بیمه مسئولیت مدنی، راهکارهای اجتناب‌ناپذیری هستند. این اصلاحات نه تنها حقوق زیان‌دیدگان را تأمین می‌کند، بلکه با درونی‌سازی هزینه‌های حوادث، به بهینه‌سازی سطح ایمنی و فعالیت در صنعت متانول منجر خواهد شد.

نتیجه

پژوهش حاضر با هدف واکاوی کارکرد قاعده مسئولیت محض مدنی در جبران خسارات ناشی از حوادث صنعتی، با تمرکز بر واحدهای تولید متانول در ایران، انجام شد. صنعت متانول به‌عنوان نمونه‌ای بارز از فعالیت‌های فوق‌العاده خطرناک، چالش‌های جدی را برای رژیم‌های سنتی مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر ایجاد می‌کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که اگرچه حقوق ایران پتانسیل‌های نظری و فقهی قابل توجهی برای پذیرش مسئولیت محض دارد، اما در عمل، پراکندگی قوانین و غلبه رویکرد تقصیرمحور، کارایی سیستم جبران خسارت را کاهش داده است. بررسی‌های انجام شده در این پژوهش را می‌توان در سه محور اصلی خلاصه نمود:

اول- توجه‌پذیری نظری و اقتصادی: تحلیل مبانی نظری نشان داد که مسئولیت محض صرفاً یک استثناء نیست، بلکه پاسخی ضروری به مقتضیات عصر صنعتی است. از منظر تحلیل اقتصادی حقوق، در حوادث یکجانبه صنعتی^{۴۵}، قاعده مسئولیت محض با درونی‌سازی هزینه‌های اجتماعی حوادث، کارایی بیشتری نسبت به مسئولیت مبتنی بر تقصیر دارد. این قاعده با ایجاد انگیزه اقتصادی برای صنعتگران جهت سرمایه‌گذاری در ایمنی و تنظیم سطح فعالیت، مانع از برون‌سازی هزینه‌های زیان‌بار به جامعه می‌شود. همچنین از منظر فقهی، قواعدی مانند لاضرر، غرور و ضمان ید، بستر مناسبی را برای استقرار این مسئولیت در حقوق ایران فراهم می‌آورند.

دوم- خلأهای رژیم حقوقی فعلی: واکاوی قوانین ایران نشان داد که اگرچه موارد پراکنده‌ای از مسئولیت بدون تقصیر^{۴۶} وجود دارد، اما فقدان یک قانون جامع تحت عنوان «مسئولیت مدنی فعالیت‌های فوق‌العاده خطرناک» باعث شده است تا قضات در پرونده‌های پیچیده صنعتی همچنان به دنبال احراز تقصیر باشند. این در حالی است که در نظام‌های حقوقی پیشرو، برای چنین فعالیت‌هایی رژیم‌های ویژه‌ای تحت عنوان مسئولیت محض یا مطلق پیش‌بینی شده است.

سوم- ضرورت بومی‌سازی برای صنعت متانول: مطالعه موردی واحدهای متانول تأیید کرد که ماهیت فرایندهای شیمیایی، فشار بالا و مواد سمی، این صنعت را در زمره فعالیت‌های پرخطر قرار می‌دهد. در چنین شرایطی، عدم تعادل اطلاعاتی میان صنعتگر و زیان‌دیده و دشواری اثبات رابطه سببیت، اعمال مسئولیت مبتنی بر تقصیر را ناکارآمد می‌سازد؛ بنابراین، گذار به مسئولیت محض با امکان دفاعیات محدود^{۴۷}، تعادل مناسبی میان جبران خسارت و توسعه صنعت ایجاد می‌کند.

در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش مبنی بر این که «آیا با توجه به مبانی فقهی و ضرورت‌های اقتصادی، می‌توان مسئولیت محض را به‌عنوان قاعده‌ای حاکم بر حوادث واحدهای متانول در ایران

۴۵- مانند نشت گاز متانول

۴۶- مانند مسئولیت اتلاف یا برخی قوانین خاص محیط زیستی

۴۷- مانند تقصیر انحصاری زیان‌دیده

پذیرفت؟»، یافته‌ها حاکی از آن است که پذیرش این قاعده نه تنها ممکن، بلکه ضروری است. حقوق ایران با تکیه بر ظرفیت‌های فقهی^{۴۸} و با الهام از تحلیل‌های اقتصادی کارایی، قابلیت تطبیق با رژیم مسئولیت محض را دارد. باین حال، این پذیرش نیازمند گذار از تفسیرهای سنتی به سمت قوانین ویژه‌ای است که صراحتاً مسئولیت را در فعالیت‌های پرخطر، محض اعلام کنند.

پیشنهاد

بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهادات زیر به قانون‌گذار، دستگاه قضا و سیاست‌گذاران صنعتی ارائه می‌گردد: تصویب قانون ویژه مسئولیت مدنی صنایع پرخطر: پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار با الهام از قوانین مشابه در حوزه‌های دیگر، قانونی خاص تحت عنوان «مسئولیت مدنی ناشی از فعالیت‌های فوق‌العاده خطرناک» تصویب نماید. در این قانون باید صراحتاً قاعده مسئولیت محض برای صنایع شیمیایی مانند متانول پذیرفته شود و دفاعیات مجاز^{۴۹} به صورت حضری تعیین گردد تا از ابهامات موجود در تمایز مسئولیت محض و مطلق کاسته شود.

جابجایی بار اثبات دعوا در رویه قضایی: تا زمان تصویب قانون خاص، پیشنهاد می‌شود دیوان عالی کشور با صدور آراء وحدت رویه، بار اثبات دعوا را در حوادث صنعتی پیچیده به عهده صنعتگر بگذارد. به این معنا که صنعتگر باید عدم تقصیر یا عدم ارتباط فعل خود با ضرر را ثابت کند، نه این که زیان‌دیده موظف به اثبات تقصیر صنعتگر باشد. این رویکرد با روح حاکم بر قاعده لاضرر و تحلیل‌های اقتصادی حقوق همسو است.

الزام به بیمه مسئولیت مدنی جامع: برای جلوگیری از ورشکستگی واحدهای صنعتی و تضمین جبران خسارت زیان‌دیدگان، الزام به اخذ بیمه‌نامه مسئولیت مدنی با پوشش‌های جامع^{۵۰} برای کلیه واحدهای تولید متانول ضروری است. حق بیمه باید متناسب با ریسک هر واحد تعیین شود تا به‌عنوان

۴۸- مانند قاعده لاضرر و تسبیب

۴۹- مانند قوه قاهره واقعی

۵۰- جانی، مالی و زیست‌محیطی

یک اهرم اقتصادی، واحدهای نایمن را به بهبود استانداردهای ایمنی ترغیب کند. تأسیس صندوق ملی جبران خسارات حوادث صنعتی: پیشنهاد می‌شود صندوقی با مشارکت دولت و صنعتگران بزرگ شیمیایی تأسیس گردد تا در مواردی که خسارات فراتر از سقف تعهدات بیمه است یا عامل زیان‌شناسایی نمی‌شود، جبران خسارت زیان‌دیدگان را تضمین نماید. این نهاد می‌تواند به‌عنوان مکمل سیستم مسئولیت محض، امنیت اجتماعی را در مناطق صنعتی افزایش دهد.

توسعه آموزش‌های تخصصی برای قضات: با توجه به پیچیدگی‌های فنی حوادث شیمیایی، پیشنهاد می‌شود دوره‌های آموزشی تخصصی برای قضات دادگستری در زمینه ارزیابی ریسک‌های صنعتی و مبانی اقتصادی مسئولیت مدنی برگزار گردد تا در صدور آراء، ملاحظات کارایی و عدالت جبرانی به درستی لحاظ گردد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- بابایی، ایرج، ۱۳۸۱، بررسی عنصر خطا در حقوق مسئولیت مدنی ایران، **فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست**، شماره ۷.
- بادینی، حسن، ۱۴۰۲، **فلسفه مسئولیت مدنی**، چاپ پنجم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- بادینی، حسن؛ شعبانی، هادی؛ رادپور، سجاد، ۱۳۹۱، مسئولیت محض مبانی و مصادیق، **فصلنامه مطالعات حقوقی**، شماره ۱.
- پارساپور، محمدباقر و حسینی، سیداحمد، ۱۳۹۹، مطالعه تطبیقی مبانی مسئولیت مدنی در کام‌لا و حقوق

- ایران با تأکید بر مسئولیت امین، **فصلنامه مطالعات تطبیقی حقوق اسلامی و غرب**، شماره ۲۳.
- دادگر، یحیی و خودکار، رضا، ۱۳۹۶، تحلیل اقتصادی قاعده مسئولیت محض و کارآمدی آن در حقوق ایران، **فصلنامه تحقیقات حقوقی**، شماره ۷۸.
- صفایی، سیدحسین و رحیمی، حبیب‌الله، ۱۴۰۴، **مسئولیت مدنی**، چاپ بیستم، تهران، انتشارات سمت.
- صفری، محسن و قدسی، سیداسان، ۱۴۰۰، نگرشی به نظریه مسئولیت مدنی ناشی از ایجاد خطر ورود آسیب، **فصلنامه تحقیقات حقوقی**، شماره ۹۵.
- قافی، حسین و شریعتی، سعید، ۱۳۹۲، **اصول فقه کاربردی**، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۷، **مسئولیت ناشی از عیب تولید**، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- محقق داماد، سیدمصطفی، ۱۴۰۴، **قواعد فقه بخش مدنی**، چاپ شصت و هشتم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.

لاتین

- Cooter, Robert & Ulen, Thomas, 2020, Law and Economics, 7th ed. , Cambridge, Cambridge University Press.
- Faure, Michael, 2009, Tort Law and Economics. In Encyclopedia of Law and Economics, 2nd ed. , Cheltenham, Edward Elgar Publishing.
- Shavell, Steven, 2007, Economic Analysis of Accident Law, Harvard University Press.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.27- Spring 2026

- Burden of Proof and Admissibility and of Evidence in International Commercial Arbitration
Homayoun Mafi, Maedeh Asgharzadeh
- Analysis the Practice of Determining the Jurisdiction of the International Criminal Court to Adjudicate Forced Marriage
Mohammad Hossein Ramezani Ghavamabadi, Pouria Ebrahimzadeh
- Legal Rethinking of the Use of Artificial Intelligence for the Enforcement of Punishment
Amirreza Mahmoudi, Anusha Zafari Kore Tash
- Federative Rights in Football: Approaches of the Legal Systems of Iran, France, England, Argentina, Brazil, Spain and Colombia
Behnam Noorzadeh
- Conflict of the Regulation of the Third Article of the Mandatory Formal Registration of Immovable Properties with Laws and Legal Principles
Akbar Iman Poor, Sahand Nejadi Ijadkar
- Criminal Personality and Its Relationship with Effective Punishment
Maryam Bahmai, Mostafa Karamipour
- Challenges and Obstacles to Interpreting Contracts in Iranian Law
Farzin Yazdan Panah, Mohammadreza Nasiri
- Measures to Prevent Financial Corruption in the Banking System
Alireza Deraei, Sayyed Ebrahim Mortazavi, Amirhasan Abolhasani
- Divorce at the Request of the Woman in the Iranian Legal System
Mohammad Ahmadi, Helma Sadat Zorrieh Kermanshahi
- Assessing the Criminal Nature of Online Lotteries in Iranian Law
Mohammadhossein Hajeb, Zahra Rabbani, Roya Asiaei
- Mutual Sale Contract in the Iranian Legal System
Sadegh Mohebbi, Mohammadali Jahani
- Features and Characteristics of Cybercrimes in the Iranian Criminal System
Seyedeh Elaheh Babonaki
- Studying the Right to Employment of Women in International Law
Habibolah Abdollah Poor, Sama Khodayari
- The Effectiveness of Security and Educational Measures in the Resocialization of Juvenile Delinquents; A Case Study of Shahid Fakhmideh Judicial Complex
Leila Ahadi
- Retaliation in the Quran and its Place in Islamic Penal Policy
Rojin Masoudi, Jamal Rezaei Hossein Abadi
- a Legal Analysis of the Regulatory Structure of the Unorganized Monetary Market in Iran: from Conceptual Ambiguities to Legislative and Executive Challenges
Ali Babaei
- The Impact of Independent International Institutions on the Effectiveness of Sanctions in International Trade Law
Elahe Ghorban Karimi
- Based on the Best Interests of the Child; an Analysis of Custody with a Legal, Jurisprudential and Psychological Approach to Identifying Legislative Gaps
Mona Komeyli
- Human Rights-Based Rehabilitation and Its Limitations in the Iranian Penal System
Amin Reza Bahar Falamarzi
- an Analysis of Strict Civil Liability in Chemical Industry Accidents; a Case Study of Iranian Methanol Production Units
Mohammad Jokar, Sasan Vazin Pour
- Pathology of Lethal Punishment in Iranian Criminal Law
Mohammadreza Rezaei
- Implementing Regulations on Land Nationalization, Especially Endowment Lands, with Emphasis on Judicial Practice
Esmaeil Chogani
- International Criminal Policy Against Genocide: A Comparative Analysis in International Criminal Tribunals
Ali Hadian Haghighi, Saber Sayyari Zohan
- Criminological Analysis of Kolbari in the Border Areas of Iran and its Comparison with the Kalba
Morteza Hashem Pour
- Legal Challenges and Harms of Unauthorized Accredited Institutions in the Iranian Monetary System
Amin Aminl Nezhad
- The Impact of Prefrontal Cortex Dysfunction on Criminal Responsibility in the Crime of Intentional Murder
Hamid Ghiasi, Mehdi Shaban Zadeh
- Artificial Intelligence and the Right to a Fair Trial in Light of the Iranian Constitution
Pouria Zhoulideh
- Impact of Government Expenditure and Debt on Stock Market Growth in Iran
Razieh Hojjati Nezhad
- the Position of the Central Counterparty Institution and Its Impact on the Principle of Privity of Contracts in Cross Border Transactions in the Legal Systems of Iran, Europe and the United States of America
Arefeh Ghasem Zadeh Dehabadi
- Strategies to Combat and Deal with Cybercrime
Ahmad Padidar